

راه‌حل‌های دریافت

کارمزد تسهیلات

از سوی برخی اقتصاددانان

ادامه از صفحه اول۳

فقیهان بر این مطلب از صدر اسلام فتوا داده‌اند: اگر فرد محتاجی نیازش به شکلی بود که به غیر از راه قرض ربوی برآورده نمی‌شد، گرفتن قرض ربوی بر وی جایز می‌شود، و امروزه به علت گسترش روابط تولیدی و تجاری و نیاز فعالیت‌های اقتصادی به عامل سرمایه، مسئله احتیاج، از حد شخصی فراتر رفته و شکل اجتماعی به خود گرفته است، امروزه از یک طرف کشاورزی، صنعت، تجارت، خدمات و به عبارت دقیق‌تر همه فعالیت‌های اقتصادی جوامع وابسته به عامل سرمایه است، از طرف دیگر، صاحبان سرمایه حاضر نیستند سرمایه خود را به صورت قرض‌الحسنه در اختیار کشاورزان، صنعتگران، تجار و دیگر فعالان اقتصادی قرار دهند؛ حال اگر به علت تحریم ربا، فعالان اقتصادی نتوانند سرمایه مورد نیاز خود را به دست آورند، نه‌تنها زندگی خود آنان مختل می‌شود بلکه کل اقتصاد کشور مشکل پیدا می‌کند و از رشد و توسعه اقتصادی باز می‌ماند و نتیجه این می‌شود که مسلمانان، حتی در تأمین نیازهای روزمره زندگی‌شان نیازمند کشورهای بیگانه شوند و روشن است که خداوند هیچ‌وقت چنین وضعیتی را دوست ندارد؛ پس می‌توان گفت که در عصر حاضر، به علت وجود ضرورت اقتصادی، حرمت ربا برداشته می‌شود، همان‌طور که در مورد‌های ضرور، دیگر مجرمات حلال می‌شوند (بدوی، ابراهیم زکی الدین، بی‌تا: ۱۳، نظریه‌الربا المحرم، بی‌جا: المجلس الاعلی) (فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی سال هفتم / شماره ۲۷ / پاییز ۱۳۸۶ نظریه های ربا و بهره – سیدعباس موسویان)

نقد نظریه:

راه حل ششم: اگر فرد محتاجی نیازش به شکلی بود که به غیر از راه قرض ربوی برآورده نمی‌شد، گرفتن قرض ربوی بر وی جایز می‌شود.
نقد: ضرورت، قرض دادن ربوی را جایز نمی‌کند، قرض گرفتن ربوی را جایز می‌کند.

• راه حل هفتم

راه حل مشروع؛ معامله‌های واقعی

راه حل پیشنهادی استاد سید عباس موسویان (۱۳۸۶)
مطالعه آیه‌ها و روایت‌های ناظر به باب معامله‌ها نشان می‌دهد که دین اسلام، در کنار تحریم ربا انواع سه‌گانه معامله‌های ذیل را مجاز شمرده است:

أ. قراردادهای غیرانتفاعی: دین اسلام به جهت توجه به بعد انسانی و معنوی انسان‌ها انواع گوناگونی از قراردادهای غیرانتفاعی چون هبه، صدقه، عاریه و قرض‌الحسنه را مجاز و مورد ترغیب جدی قرار داده است،

ب. قراردادهای انتفاعی با سود معین: گروه دوم از معامله‌هایی که مطابق آیه‌ها و روایت‌ها، مجاز شمرده شده‌اند، قراردادهای مبادله‌ای با سود معین هستند، قراردادهایی مانند بیع نقد، بیع نسبه، سلف، بیع دین، اجاره، جعاله که نرخ سود در آنها معین و از پیش تعیین شده است.

ج. قراردادهای انتفاعی با سود انتظاری: گروه سوم، معامله‌های مشارکتی با نرخ سود انتظاری هستند. قراردادهایی چون شرکت، مضاربه، مزارعه و مساقات که در آنها دو یا چند نفر با ترکیب سرمایه‌ها یا با ترکیب کار و سرمایه وارد فعالیت اقتصادی می‌شوند و انتظار سود دارند و در پایان سال مالی، سود حاصله را با هم تقسیم می‌کنند. البته قراردادهای مجاز دیگری چون صلح و وکالت وجود دارند که ماهیت انعطاف‌پذیری دارند و می‌توانند در هر یک از سه گروه جای گیرند.
کنار این قرارداد‌ها، اسلام فعالیت مستقیم اقتصادی را نیز مجاز شمرده و در مورد‌های فراوانی به آن ترغیب و تشویق کرده است.

مواردی که تشویق به انفاق و صدقه مطرح است: ﴿يُحِبُّهُ اللَّهُ الزَّيَّاتُ وَيُؤْتِيهِ الصَّدَقَاتُ﴾ (بقره ۲۷۶) خدا ربا را ناپود می‌کند، و صدقات را فرونی می‌دهد؛.

و در برخی از آیه‌ها، حَلَبَت بیع که از عقد‌های با بازده معین است مطرح می‌شود:

﴿وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الزِّبَا﴾ (بقره ۲۷۵) در

حالی که خدا خرید و فروش را حلال، و ربا را حرام کرده است.

در روایت‌هایی نیز در کتاب تحریم ربا، تشویق به قرض‌الحسنه (جرعاملی، ۱۴۱۳: ۱۲، ۴۲۵) و ترغیب به انواع تجارت‌ها و کسب وکار مطرح شده است (همان: ۴۳۰)؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که هدف دین مقدس اسلام از تحریم ربا نادیده گرفتن یا لغای بهره واقعی و طبیعی نیست، چرا که اسلام این بهره را در قالب انواع قراردادهای مبادله‌ای و مشارکتی می‌پذیرد و فقط در قرارداد قرض که از نظر اسلام قراردادی خیرخواهانه و ایثارگرانه است قبول ندارد، به عبارت دیگر، هدف اسلام از تحریم ربا گسترش معامله‌ها و فعالیت‌های ذیل بوده است:

- گسترش انواع روابط خیرخواهانه چون انفاقات، صدقات، اوقاف و قرض‌الحسنه؛
- گسترش انواع معامله‌های مبادله‌ای چون بیع، اجاره، جعاله و سلف؛
- گسترش انواع مشارکت‌ها چون شرکت، مضاربه، مزارعه و مساقات؛
- گسترش سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های مستقیم اقتصادی.

دین اسلام گرچه به برخی از قرارداد‌ها چون قراردادهای خیرخواهانه و فعالیت‌های مستقیم اقتصادی تشویق و ترغیب می‌کند، اما هیچ الزام و دستوری درباره آنها ندارد و مسلمانان را در چارچوب احکام معامله‌های مجاز، آزاد می‌گذارد؛ چنانکه سیره عملی مسلمانان نیز در طول تاریخ چنین بوده است و هر کس متناسب با توانایی‌ها و سلیقه‌اش یک یا ترکیبی از روش‌های چهارگانه را برمی‌گزید؛ بنابراین، در این عصر و زمان نیز هر فرد و مؤسسه‌ای می‌تواند با استفاده از انواع قراردادهای مجاز به فعالیت اقدام کند، و تجربه بیش از سی سال بانکداری اسلامی و بیش از ده سال بازار سرمایه اسلامی نشان می‌دهد همان‌گونه که می‌توان برای سامان دادن فعالیت‌های فردی از معامله‌های اسلامی استفاده کرد می‌توان برای سامان دادن فعالیت‌های جمعی نیز بهره گرفت.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

- ربا در تمام ادیان الهی به‌ویژه اسلام با شدت تمام تحریم شده است.
- ربا به دو نوع ربای قرضی و ربای معاملی تقسیم می‌شود. ربای قرضی، اشتراط زیاده در قرارداد قرض و ربای معاملی مبادله کالاهای مکیل و موزون به همجنس همراه با زیادی یک طرف را می‌گویند.
- در اقتصاد دو نوع بهره وجود دارد، بهره طبیعی یا واقعی، که بازدهی عامل سرمایه در فعالیت اقتصادی است که ارتباطی به ربا ندارد، دوم، بهره قراردادی، درآمدی که صاحب سرمایه در قراردادهای رسمی، در برابر واگذاری سرمایه خود به غیر، مطالبه می‌کند، اگر بهره قراردادی در قرارداد قرض باشد با ربا یکی خواهد بود.
- در کیفیت تحریم ربا مفسران اختلاف دارند،



برخی صندوق‌های قرض‌الحسنه ابراز داشته‌اند، ایرادات مهمی در به‌کار بردن قرض در سیستم تأمین مالی کشور را ثابت می‌کند.

این مقاله کوشیده است تا با روش توصیفی–تحلیلی به بررسی و آسیب‌شناسی عملکرد سیستم تأمین مالی ایران در استفاده از عقد قرض تحت عنوان قرض‌الحسنه بپردازد. نتایج به دست آمده از این تحلیل، تأیید دیدگاه برخی مراجع در مورد وجود ربا در قراردادهای قرضی رایج در نظام تأمین مالی کشور را در بر دارد. از طرف دیگر این نتایج، حضور این شیوه تأمین مالی را با توجه به ماهیت بانک و همچنین مدل پیاده‌سازی آن را به دلیل شرایط تورمی اقتصادی ایران مناسب نمی‌دانند. در انتها جهت برون‌رفت از چالش‌های یادشده پیشنهادهایی ارائه شده است.

پیشنهاده‌ا

- قرض‌الحسنه از روش‌های اصلی تجهیز و تخصیص منابع بانکی کنار گذاشته شود. از این عقد می‌توان تنها جهت برون‌رفت از برخی تنگناها مانند مبادلات اتاق پایاپای استفاده نمود.
- حساب‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز و جاری به حساب‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت عادی و جاری تغییر یابد. در این حالت بانک می‌تواند با پرداخت سهم سود کم از این منابع استفاده کند و خدمات بانک در کنار سود این حساب‌ها به عنوان یک پاداش به شریک یا وکیل قابل ارائه است.
- با توجه به فرهنگ رایج اقتصادی جامعه، بانک‌های انتفاعی باید از ارائه تسهیلات قرض‌الحسنه خودداری کنند تا وجهه انتفاعی آنها حفظ شود و این امور را به مؤسساتی واگذار کنند که تنها به پرداخت قرض‌الحسنه (از منابع مختلف دولتی و غیر دولتی) اشتغال دارند و کارمزدی به‌اندازه مزد کار خود تحت عنوان وکیل یا واسطه دریافت می‌کنند.
- پرداخت قرض‌الحسنه، فی‌نفسه هزینه فرصت در پی دارد. درحالی که دولت این هزینه را بر عهده می‌گیرد، بهتر است هزینه کارمزد مؤسسات واسط را نیز برعهده گرفته و تسهیلات قرض‌الحسنه دولت مانند وام ازدواج بدون هیچ کارمزدی پرداخت شود.

(فصلنامه علمی- ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره سیزدهم، زمستان ۱۳۹۴ – صفحه ۵۲–۳۹ بررسی موضوع ربا در قراردادهای «قرض‌الحسنه» رایج در سیستم تأمین مالی ایران– لشکری– حسینی – معدنی)
نقد نظریه:

راه حل هشتم: قرض‌الحسنه فقط توسط مؤسسه‌ها انجام شود، بدون کارمزد و تمام هزینه‌ها را دولت بپردازد.
نقد: دولت قبول نمی‌کند.

• راه حل نهم

راه حل پیشنهادی استاد مهدی ناجی(۱۳۹۸)
از آن جایی که اصلی‌ترین انگیزه بانک به‌عنوان یک بنگاه اقتصادی، کسب سود است، حرمت مطالبه سود در قرارداد قرض عملاً این قرارداد را در بانکداری اسلامی به حاشیه رانده و موجب شده در این نوع بانکداری، برخلاف بانکداری متعارف، سایر عقود، جایگزین عقد قرض شوند. هرچند به‌کارگیری قرارداد قرض در معاملات اسلامی با محدودیت‌های جدی روبه‌رو است، این قرارداد، خصوصاً در زمینه بانکداری، دارای مزایای حقوقی و اقتصادی چشم‌گیری نسبت به سایر عقود است که نمی‌توان نقش آن‌ها را در بهبود سیستم بانکداری بدون ربا نادیده گرفت.
پرسش اصلی این پژوهش آن است که آیا در

• ویژه‌نامه بانکداری بدون ربا/۱

یک نظام بانکداری بدون ربا، استفاده از عقد قرض در معاملات سودآور بانکی امکان‌پذیر است؟

این مقاله به روش توصیفی و تحلیل محتوا در پی اثبات این فرضیه است که عقد قرض این قابلیت را دارد که مانند سایر عقود اسلامی در یک نظام بانکی بدون ربا، و در یک چارچوب سودآور برای بانک به کار گرفته شود.

این پژوهش با بررسی ویژگی‌های عقد قرض و ضرورت تفکیک مفهوم عام "قرض" در شریعت اسلامی از مفهوم خاص "قرض‌الحسنه"؛ با برشمردن مزایای این عقد، مکانیزمی پیشنهاد می‌کند که براساس آن قرارداد قرض در بستری سودآور و غیرربوی در یک نظام بانکی قابل استفاده است.

این مقاله به روش توصیفی و تحلیل محتوا در پی اثبات این فرضیه است که عقد قرض این قابلیت را دارد که مانند سایر عقود اسلامی در یک نظام بانکی بدون ربا، و در یک چارچوب سودآور برای بانک به کار گرفته شود.

بنابه تعریف، ربا عبارت است از "اشتراط هر نوع زیاده در عقد قرض"(موسوی خمینی، بی‌تا، ۱۴۲۱ق کتاب البیع؛ قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی [ⓘ]. بر طبق این تعریف که فقها اختلافی بر سر آن ندارند (حلی، ۱۴۲۱ق تذکره الفقهاء؛ قم: مؤسسه آل‌البیت)، وجود هم‌زمان سه شرط برای تحقق ربای قرضی ضروری است:
۱. قرض بودن معامله،
۲. وجود زیاده،
۳. شرط بودن پرداخت زیاده.
اگر در معامله‌ای هر یک از این شروط وجود نداشته باشد، ربای قرضی انفاق نخواهد افتاد(ربعی، ۱۳۸۵، ص ۷۱)

از امام صادق علیه السلام روایتی بدین مضمون نقل شده است: ربا دو گونه است، حلال و حرام. ربای حلال، آن است که شخصی مالی به دیگری قرض دهد به طمع اینکه قرض گیرنده بیشتر از مقدار قرض به او برگرداند، بدون آنکه هنگام قرض چنین شرطی کرده باشد. دراین صورت، اگر قرض گیرنده، بیشتر از مقدار دریافتی به قرض دهنده برگرداند، مقدار زیادی بر او حلال است؛ هرچند از پاداش قرض‌الحسنه محروم خواهد شد. مقابل آن، ربای حرام قرار دارد که عبارت است از قرض دادن به شرط زیادی. (فرهنگ فقه، هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۸)

مکانیزم پیشنهادی

در این بخش مدلی برای قرارداد قرض با امکان سودآوری برای بانک، به عنوان اعطا کننده تسهیلات، پیشنهاد می‌شود بدون آن‌که در فرایند پیشنهادی شائبه‌ای از ربوی بودن وجود داشته باشد. در این مدل برای اجتناب از ربوی بودن قرارداد یکی از سه ویژگی لازم برای احراز ربای قرضی (شرط اخذ زیاده بر قرض) از قرارداد حذف شده و اختیار تعیین میزان پرداخت زیاده بر قرض، در اختیار قرض کننده قرار می‌گیرد. در این مکانیزم، هر مشتری در سیستم بانکی دارای امتیازی است که نشان دهنده میزان جذابیت مشتری برای بانک است. این جذابیت به دو معیار اصلی وابسته است: اعتبار مشتری و سودآوری مشتری. اعتبار مشتری، شاخصی برای ریسک بازپرداخت (اصل) تسهیلات واگذار شده به مشتری است و سودآوری مشتری، شاخصی برای تخمین میزان زیاده‌ای است که مشتری احتمالاً به همراه اصل وام پرداخت خواهد کرد. هر دو معیار براساس سابقه فعالیت‌های بانکی مشتری برآورد می‌شوند.

نتیجه‌گیری

حرمت اشتراط سود در قرارداد قرض، باعث شده، بانکداری اسلامی برای کسب سود به عقود دیگری از جمله مشارکت، مضاربه، جعاله و فروش اقساطی روی آورد و عملاً از به‌کارگیری قرارداد قرض در معاملات اصلی و سودآور خود صرف‌نظر کند. این مقاله امکان وجود قرض سودآور غیرربوی در نظام بانکی کشور را بررسی می‌کند و با اشاره به مزایای قرارداد قرض نسبت به سایر عقود اسلامی، مکانیزمی پیشنهاد می‌کند که براساس آن می‌توان قرارداد قرض را در بستری سودآور و غیرربوی به نظام بانکی کشور بازگرداند. مسلماً ادعای این مقاله حذف سایر عقود از نظام بانکی کشور نیست، بلکه عقد قرض سودآور غیرربوی را مکملی مفید و لازم برای رفع برخی از نارسایی‌های موجود در نظام بانکی فعلی کشور می‌داند.

در مواجهه با این مقاله توجه به این نکته حائز اهمیت است که این مقاله به هیچ عنوان مدعی پیشنهاد یک مدل عملیاتی دقیق، جامع، منسجم و قابل اجرا مبتنی بر قرارداد قرض سودآور در نظام بانکی بدون ربا نیست، بلکه ارائه مدل عملیاتی پیشنهادی تنها به منظور تنقیح این نکته مهم است، که برای تحقق بانکداری بدون ربا، لازم نیست عقد قرض (سودآور) از عقود مورد استفاده نظام بانکی حذف و از مزایای متعدد آن چشم‌پوشی شود. در ضمن، مدل پیشنهادی در این مقاله برای تسهیلات خرد مصرفی و تسهیلات سرمایه در گردش بنگاه‌ها مناسب‌تر است و طبعاً برای تسهیلات بزرگ و بلندمدت، از قبیل تسهیلات خرید مسکن و سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت، جایگزین بهینه‌ای برای عقود فروش اقساطی یا مشارکت نیست. (تحقیقات اقتصادی / دوره ۵۴ شماره ۲ تابستان ۱۳۹۸ ص – ۴۸۵ – ۴۶۵ بررسی عقد "قرض" به عنوان یک قرارداد سودآور در بانکداری اسلامی – مهدی ناجی)

نقد نظریه:

راه حل نهم: پرداخت کارمزد اختیاری باشد.

نقد: جواب نمی‌دهد، چون در صورت اختیار، کمتر قرض گیرنده‌ای کارمزد پرداخت می‌کند.

ادامه دارد...

